

انسان را از رسیدن به تکامل معنوی باز می‌دارد مطرح است. نگرش به اسراف از این زاویه، اهمیت مطلب را دو چندان می‌کند.

● معنای اسراف

شهید آیت‌الله دستغیب در کتاب ارزشمند «گناهان کبیره»، اسراف را به عنوان یکی از گناهان کبیره مورد بحث و بررسی قرار داده است. «اسراف» به معنای تجاوز از حد و زیاده‌روی کردن است و آن یا از جهت کیفیت است که صرف کردن مال است در موردی که سزاوار نیست ... و یا از جهت کمیت است و آن صرف کردن مال است در موردی که سزاوار است لیکن بیشتر از آنچه شایسته است و بعضی صرف مال را در موردی که سزاوار نیست، «تبذیر» گفته‌اند و صرف مال را در زیادت از آنچه سزاوار است، اسراف دانسته‌اند.^۱

اسراف و تبذیر در آیات قرآن و روایات ائمه (ع) مذمت و نکوهش شده است.

چنانکه در آیه بیست و نه سوره مبارکه اعراف آمده است: «بخورید و بیاشامید، ولی از حد نگذرانید. به درستی که خداوند اسراف کنندگان (تجاوز کنندگان از حد) را دوست نمی‌دارد.»

هم‌چنین در سوره مبارکه مؤمن آیه سی و چهار به اسراف کنندگان و شک کنندگان، وعده عقوبت و عذاب داده شده و در آیه بیست و هفت از سوره مبارکه بنی اسرائیل در یک تشبیه زیبا و هشدار دهنده اسراف کنندگان، برادران شیطان خوانده شده‌اند.

در روایات صادره از معصومین (ع) نیز اسراف و تبذیر نکوهش شده؛ چنان‌که رسول اکرم (ص) فرمودند: «کسی که بنایی برای دیدن و شنیدن مردم می‌سازد، خدای متعال آن بنا را ... طوقی برگردنش کرده و او را به آتش می‌اندازد.» از آن حضرت سؤال شد منظور از بناکردن برای دیدن و شنیدن مردم چیست؟ حضرت فرمود: «بنایی است که زیادت از احتیاج بسازد، بدان منظور که بر همسایگان و برادران دینی خود مباحثات ورزد.» در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «جز این نیست که خداوند، اقتصاد (میان‌روی) در مخارج زندگی را دوست، و اسراف را دشمن می‌دارد...»^۲

● معیار و میزان اسراف

قبل از بیان مصادیقی از اسراف و تبذیر لازم است معیار و میزانی در این زمینه دانسته شود. به عبارت دیگر، دانستن این نکته لازم است که مرز میان اسراف و اقتصاد در زندگی و شاخص مخارج مجاز از غیرمجاز چیست؟ در برخی از روایات، شاخص‌های گویایی در این مورد عنوان شده‌اند. به سه معیار که در روایتی از امام علی (ع) آمده است، توجه فرمایید:

امام علی (ع) فرمود: «برای اسراف کننده سه علامت است: یکی آن که آنچه سزاوار او نیست، می‌خورد.»

در روایت دیگر از امام صادق (ع) آمده است: «لباسی که برای حفظ آبرو و پوشیدن در انتظار مردم تهیه کرده‌ای، هرگاه آن را در موقع کار کردن و جایی که مناسب آن نیست بپوشی، اسراف به حساب می‌آید.»

در این زمینه روایات دیگری نیز وارد شده که به همین مقدار بسنده می‌شود.

ملاحظه می‌گردد که شاخص‌ها و مرز اسراف از غیر اسراف در روایات صادره از امام علی (ع) در سه مقوله خوراک، پوشاک و خرید لوازم (که این خود دامنه وسیعی دارد) مشخص و محرز شده‌اند.

اسراف، تجمل‌گرایی بیماری اجتماعی

ابوالفضل علی‌دوست‌ابرقویی

سخن گفتن از اسراف و بریز و بپاش است؟ در چنین اجتماعی بایستی از فقر و نداری سخن گفت، نه از اسراف و تبذیر.

جواب آن است که اولاً اسراف و ریخت و پاش خارج از ضابطه که گناه کبیره است، خاص ثروتمندان نیست و می‌تواند همه افراد را شامل گردد. ثانیاً سخن، مخاطب خود را پیدا می‌کند: چنان که آب، چاله را، طرح یک معضل و فرهنگ غلط اجتماعی، مخاطب خاص خود را نشانه می‌گیرد؛ همان‌طور که شاید تلنگر و تنبیهی باشد بر کسانی آگاهانه یا غیرآگاهانه در آن معضل گرفتارند.

بر این اساس، نمی‌توان این نکته را منکر شد که فرهنگ اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی پایه‌های زندگی بسیاری از خانواده‌ها را در جامعه ما می‌لرزاند و از آنجا که بسیاری از آنچه مصداق بارز اسراف و تبذیر به حساب می‌آید، صورت نوعی ضرورت زندگی و استفاده معمولی از مواهب طبیعی را به خود گرفته، بیم آن می‌رود که افراد برای به دست آوردن این «ضرورت» و رسیدن به این «مواهب طبیعی» انجام دادن هر کار و چین هر تمهیدی را مباح بدانند. در همین نقطه است که اسراف و تبذیر شکل یک فرهنگ پذیرفته شده به خود می‌گیرد.

از سوی دیگر، اسراف و تجمل‌گرایی تنها به عنوان یک نقیصه اجتماعی مطرح نیست، تا گفته شود هرگاه سطح رفاه عموم مردم به نقطه مطلوبی رسید، اسراف و تجمل‌گرایی و تبذیر و ولخرجی منطقی مجاز است؛ بلکه این مهم به عنوان یکی از گناهان کبیره در ضمن مباحث اخلاقی و در حقیقت در قالب یکی از عواملی که

چندسالی می‌شد که از کشور کویت برگشته بود. گاه‌گاهی متناسب با اهل مجلس خاطراتی از آن روزها را به عنوان نقل مجلس بر زبان می‌آورد. از بازاری که یک حجرة محقر در آن داشته است، از ارتباط با دوستان و تفریحات دوستانه، از ملاقات با امیر کویت به عنوان یکی از ایرانیان سرشناس ساکن کویت، از خورد و خوراک و پوشاک مردم و از خیلی چیزهای دیگر. از جمله آنکه گفت: در برخی از مهمانی‌های طبقه اعیان، یکی از ملاک‌های افتخار آن است که پس از ناهار یا شام چه مقدار گوشت و مواد غذایی قابل مصرف در سطل زباله ریخته شده باشد! سیخ‌های کباب دست نخورده و ماهی‌های لایب سفید (که در شب عید در خطه شمال هر کیلو تا یازده هزار تومان قد می‌کشد) و دیگر مواد غذایی.

من هم تعجب کردم، مثل شما که با خواندن این مطلب شگفت‌زده شدید. مرجحاً بر کسانی که شناسنامه افتخار و مباحثات آن‌ها را ته مانده مواد غذایی‌شان صادر می‌کند!

اسراف، تبذیر، ریخت و پاش بی‌مورد، خرج کردن‌های بی‌برنامه، چشم‌پوشی‌ها، تجمل‌گرایی و بالاخره بی‌توجهی به قناعت، اگر نگوییم یک بیماری روحی و روانی است، به طور قطع یک بیماری اجتماعی است که از یک سو معنویت را در افراد می‌خشکاند و از سوی دیگر، می‌تواند به یک معضل برای جامعه تبدیل شود، خصوصاً زمانی که به عنوان یک فرهنگ معقول و یک هنجار اجتماعی مورد پذیرش قرار بگیرد. شاید گفته شود در جامعه‌ای که درصد بالایی از افراد، زیر شاخص فقر زندگی می‌کنند، چه جای

در جامعه ما اگر چه سطح زندگی بسیاری از افراد در حدی متوسط دور می‌زند، اما بیماری اجتماعی اسراف و گرانش به تجملات، بسیاری از افراد همین قشر متوسط را در جهنمی خود ساخته می‌آزارد.

آئینه



آنچه می تواند اسراف و تبذیر و تجمل گرایی را ابتدا از قلب افراد و سپس از دیواره فرهنگ اجتماع بزاید، ترویج روحیه «قناعت» و ((زندگی در مسیر اقتصاد و میانه روی)) است.

براین اساس، نمی توان شرایط زمانی و سطح رف و معمول جامعه را به عنوان شاخصی برای بین حد و مرز اسراف نادیده انگاشت. این اخص در مرکب، خانه و سایر لوازم نیز تعیین ننده است؛ اما بایستی متوجه بود که در مورد ن شاخص، یعنی سطح اقتصادی عموم جامعه، صادره به مطلوب و تفسیر به رأی صورت نگیرد؛ برادر این صورت به جای آنکه سطح اقتصادی توسط افراد جامعه در نظر گرفته شود، یکی دو له بالاتر می رویم. در این صورت غلتیدن در سراف آن هم ناخواسته و البته براساس مهل انگاری دور از دسترس نیست.

• طرح یک سؤال

باتوجه به آنچه گذشت، ممکن است این سؤال پیش آید که «شایستگی» که در برخی روایات ر تعیین حد و مرز اسراف عنوان شده (به طوری که هرگاه خوراک و پوشاک و لوازم زندگی مرکس متناسب با شان اجتماعی و خانوادگی او باشد، اسراف صورت گرفته است) آیا نوعی ایجاد طبقه اجتماعی نیست؟ به عبارت دیگر، چرا نوع خاصی از پوشاک و خوراک برای طبقه فقیر، سراف به حساب می آید و طبعاً عقوبت او را به دنبال داشته باشد، درحالی که استفاده از همین نوع پوشاک و خوراک برای ثروتمندان مجاب باشد؟ آیا این نکته نوعی تبعیض شمرده نمی شود؟

به طور اجمال می توان چنین گفت: که اولاً، استفاده از امکاناتی بهتر (اعم از خوراک و پوشاک و سایر لوازم زندگی) ذاتاً امتیازی ارزشمند نیست که ثروتمندان بر بی نوانان برتری داده شده باشند؛ ثانیاً ثروتمندان نیز در معرض اسراف و تبذیر قرار دارند (البته در سطحی بالاتر از زندگی فقیران) ثالثاً ادای چند نوع حقوق مالی بر عهده ثروتمندان است، در حالی که عموم فقیران از ادای چنین حقوقی معافند. رابعاً در عالم خلقت، تفاوت وجود دارد تا از این رهگذر رگه های پیونده اجتماعی مستحکم گردد و این غیر از تبعیض و برتری قوم و قشری بر قوم و قشر دیگر است. البته جواب تفصیلی به این سؤال، مجالش بیش از این نوشتار می طلبد و موضوعاً مورد بحث این مقاله نمی باشد.

• قناعت؛ راه حل

آنچه می تواند اسراف و تبذیر و تجمل گرایی را ابتدا از قلب افراد و سپس از دیواره فرهنگ اجتماع بزاید، ترویج روحیه «قناعت» و «زندگی در مسیر اقتصاد و میانه روی» است. این مهم می طلبد که از یک سو متاع ارزشمند قناعت در بازار دل ها رونق بگیرد و سپس در قالب یک فرهنگ اجتماعی به عنوان دارویی که بیماری اسراف را ریشه کن می کند، به تولید انبوه برسد.

رسول اکرم (ص) فرمود: «قناعت مالی است که تمام نمی شود»^۱ همچنین از آن بزرگوار وارد شده است: «به آنچه خداوند به تو داده است قناعت کن، تا حسابت در روز قیامت آسان گردد»^۲ نیز امام صادق (ع) فرمود: «در توانمندی به آن کسی بنگر که از تو پایین تر است؛ نه آن کس که از تو برتر است؛ چرا که این کار بیشتر تو را به قناعت و می دارد».

همچنین از آن حضرت روایت شده است: «کسی که در معیشت خود میانه روی کند، من ضمانت می کنم که هرگز تهیدست نگردد»^۳ در این میان نمی توان نقش حاکمیت را به

بیان این معیارها و میزان ها راه را برای تبیین و ترسیم مصادیق اسراف و تبذیر روشن می سازد. در این خصوص، عرف و شرایط زمانی تعیین کننده است. مثلاً خریدن یک دست لباس گران قیمت از سوی فردی که درآمد او متوسط است، مصادیق اسراف است؛ جمع آوری پول با مشقت فراوان و ترتیب دادن یک مسافرت خارج از کشور برای کارمندی که درآمد او در حد حقوق کارمندی است، اسراف و تبذیر محسوب می شود. خرید یک دستگاه کامپیوتر پیشرفته برای کارگری که هر صبح بایستی سرچهارراه چشم به راه کسب باشد (و آن هم یک خط در میان) مصادیق بارز اسراف و تبذیر می باشد. هرگاه نیاز ضروری انسان با خرید یک دستگاه پیکان برآورده می شود، به آب و آتش زدن و جور کردن وام های بانکی با اقساط بالا (به اسم چاله و مضاربه و ...) و خرید یک دستگاه پژو یا سمند ... بدون تردید اسراف قلمداد می گردد. خرید مبلمان راحتی برای منزل برای به رخ کشیدن و چشم و هم چشمی اسراف خواهد بود. اختصاص دو و نیم میلیون تومان برای خرید لوازم چوبی منزل - از سوی عروس (به عنوان جهیزیه) و یا از سوی داماد (در قالب شیربها) در حالی که داماد بی کار است و این مبلغ می تواند سرمایه اولیه یک تولیدی کوچک را برایش فراهم آورد، بدون تردید اسراف است.

خرید یک دستگاه تلویزیون رنگی دویست و پنجاه هزار تومانی برای یک کارگر که کل درآمد او یکصد و بیست هزار تومان در ماه می باشد و معمولاً نیمی از این مبلغ را دائم القسط است، اسراف و تبذیر است.

دها مورد دیگر را نیز که متأسفانه در زندگی بسیاری از افراد جامعه ما شکل ضرورت به خود گرفته است، می توان به عنوان مصادیق بارز اسراف و زیاده روی به حساب آورد.

• نقش زمان در مصادیق اسراف

نقش زمان و عرف را نیز در تعیین مصادیق اسراف نباید از نظر دور داشت. به عبارت دیگر، اوضاع و احوال اقتصادی زمان، عنصر تعیین کننده ای در ترسیم اسراف و تبیین حد و مرز آن با ضرورت های زندگی است. مثلاً در زمان امام علی (ع) چه بسا نوع خاصی از پوشش، اسراف به حساب می آمد، در حالی که همان پوشش در زمان امام صادق (ع) نه تنها اسراف قلمداد نمی گردید؛ بلکه از حد عرف افراد معمولی نیز پایین تر بود. در این زمینه نیز سطح زندگی عموم افراد جامعه میزان و شاخص تعیین کننده ای است. حکایت زیر، گویای همین نکته است:

در زمان رسول خدا (ص) و امام علی (ع) عموم مردم در فقر و بی نوبی زندگی می کردند، در حالی که از زمان امام سجاد (ع) به بعد، اوضاع اقتصادی مسلمانان رونق قابل ملاحظه ای یافت. به اقتضای این پیشرفت اقتصادی، تغییری در نحوه زندگی و خوراک و پوشاک ائمه (ع) نیز پیش آمد. لذا برخی افراد ظاهرین از این بزرگواران سؤال می کردند که چرا لباس های فاخر پوشیده اند، در حالی که اجدادشان چنین لباس هایی نمی پوشیدند. جواب آن ها این بود که در زمان رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) فقر و بی نوبی عمومیت داشت و پوشش مناسب زمان آنان. همان بود که آن ها می پوشیدند. در حالی که در شرایط فعلی، وضع اقتصادی عموم جامعه در سطحی است که هرگاه لباس هایی هم چون لباس اجدادمان ببوشیم، چه بسا مورد اهانت قرار بگیریم.

پی نوشت ها:

۱. گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲. همان، ص ۱۰۰.

۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۸۷.